

بررسی تأثیر خصوصیات فردی شرکت بر مدیریت اقلام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

علیرضا ساردوئی^۱، احمد علی اسدپور^{۲*}

^۱ دانشجویارشد حسابداری گروه حسابداری واحد بندرعباس دانشگاه آزاداسلامی بندرعباس ایران

^{۲*} گروه علوم اقتصادی واحد بندرعباس دانشگاه آزاد اسلامی بندرعباس ایران

چکیده

هدف این تحقیق بررسی تأثیر خصوصیات فردی شرکت بر مدیریت اقلام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد بوده است. قلمرو مکانی این تحقیق شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و قلمرو زمانی سال های بین ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ بوده است. در این تحقیق، مدیریت اقلام تعهدی (اختیاری و غیر اختیاری) به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای، استراتژی های شرکت، اندازه شرکت، اهرم مالی و نسبت جریان نقد شرکت به عنوان متغیرهای مستقل تحقیق بیان شد.

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توصیفی- همبستگی، بر اساس ماهیت داده ها، از نوع تحقیق کمی و بر اساس اهداف نیز از نوع تحقیق کاربردی به حساب می آید. با توجه به محدودیت های اعمال شده از بین شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تعداد ۹۰ شرکت با استفاده از روش حذف سیستماتیک انتخاب و به عنوان نمونه نهایی انتخاب گردید. در این تحقیق، برای تجزیه و تحلیل داده های تحقیق از آزمون رگرسیون و نرم افزار ایویوز ۸ استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد، بین استراتژی رشد شرکت ها و مدیریت اقلام تعهدی اختیاری رابطه معنی داری وجود دارد و بین استراتژی رشد شرکت ها و مدیریت اقلام تعهدی غیر اختیاری رابطه ی معنی داری وجود دارد. بین اندازه شرکت و مدیریت اقلام تعهدی غیر اختیاری رابطه ی معنی داری وجود دارد؛ همچنین بین اهرم مالی و مدیریت اقلام تعهدی اختیاری رابطه معنی داری وجود دارد. نهایتاً، بین اهرم مالی و مدیریت اقلام تعهدی غیر اختیاری رابطه ی معنی داری وجود دارد.

واژگان کلیدی: خصوصیات فردی، مدیریت اقلام تعهدی اختیاری، مدیریت غیر اختیاری، شرکتهای پذیرفته شده در بورس

مقدمه

اقدام تعهدی تفاوت بین سود حسابداری و جریان وجوه نقد حاصل از عملیات را بیان می‌کند. بدین معنی که اقدام تعهدی بزرگ نشان دهنده فزونی سود گزارش شده نسبت به جریان وجوه نقد تولید شده توسط شرکت می‌باشد. این تفاوت، نتیجه قیود حسابداری می‌باشد که چه زمانی درآمد و هزینه باید شناسایی شوند (اصل تحقق درآمد و اصل تطابق). اقدام تعهدی را می‌توان به اجزای اختیاری و غیراختیاری تفکیک کرد. اجزای اختیاری اقدام تعهدی عبارت از اقدامی است که مدیریت می‌تواند کنترل‌هایی بر روی آن‌ها اعمال کند. اجزای غیراختیاری اقدام تعهدی عبارت از اقدام تعهدی است که مدیریت نمی‌تواند بر روی آن‌ها کنترلی اعمال نماید (زای، ۲۰۰۱).

نقش اقدام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری و نحوه گزارش آن در ارزش‌گذاری بازار منجر به جلب توجه زیادی در ادبیات حسابداری شده است. گرچه اکثر تحقیقات انجام شده درباره اقدام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری بر نقش منفی آن‌ها تأکید نموده‌اند (مدیریت سود فرصت طلبانه)، برخی از تحقیقات بر آثار مثبت آن‌ها تأکید داشته‌اند (علامت‌دهی عملیات). با توجه به طرق مختلفی که مدیران از اقدام تعهدی اختیاری استفاده می‌کنند، گواهی ۱ و همکاران (۱۹۹۶) پیشنهاد نمودند که محققان به هنگام انتخاب نمونه برای شناسایی و مطالعه نقش اقدام تعهدی اختیاری، مشوق‌ها و انگیزه‌های مدیران را نیز مدنظر قرار دهند. به هرحال، مطالعات اندکی به صورت مستقیم، شرایطی را آزموده‌اند که مدیران انگیزه‌هایی قوی برای علامت‌دهی اطلاعات محرمانه خود به سرمایه‌گذاران خارجی دارند.

در شرایط برخورداری از اطلاعات کامل، انتظار می‌رود مدیران به نفع مالکان تصمیم‌گیری کنند، اما در واقعیت، در بازارهای ناقص و پر از ابهام‌ها و عدم تقارن اطلاعاتی، مدیران اغلب آگاه‌تر از مالکان و صاحبان سرمایه هستند و ساختارهای تشویقی مدیران، انطباق کاملی با اهداف مالکان ندارد. مدیرانی که عملکردشان با تشویق جبران می‌شود، اغلب تحت فشار قرار می‌گیرند و در نتیجه، نرخهای تنزیلی مؤثر آنها افزایش یافته و توجه و تأکید آنها به سمت اهداف کوتاه مدت گرایش می‌یابد. برای مثال، مدیران در مواجهه بامقوله سودآوری تحت فشار هستند؛ زیرا بازارهای شرکت‌های ناموفق در برآوردن انتظارات، سهامداران و تحلیلگران را مجازات می‌کند (برای مثال با سقوط قیمت سهام آنها). همچنین انگیزه‌های شخصی مثل ارتقای شغلی و ساختارهای تشویقی، به افزایش نرخ تنزیل مورد استفاده مدیران منجر می‌شود، حتی زمانی که مدیران به بازنشستگی نزدیک می‌شوند، تمایل به قیمت سهام بالاتر دارند و ممکن است اقدام به تغییر پیام‌های ارسالی به بازار سهام در جهت افزایش قیمت سهام و به حداکثر رساندن درآمد شخصی خود از طریق فروش سهام و حراج سهام کنند که این رفتار فرصت طلبانه بر بازدهی سهام اثر گذار است.

عوامل مختلفی که بر انگیزه‌های مدیریت اقدام تعهدی تأثیر می‌گذارند، در پژوهش‌های گوناگون نقش عوامل بیرونی تأثیر گذار بر سهام به فراخ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اما یکی از عوامل تأثیر گذار بر مدیریت سود از طریق کنترل اقدام تعهدی می‌تواند از ویژگی‌های فردی سهام شرکت‌ها ناشی شود مثلاً یکی از این ویژگی‌ها، اندازه شرکتی است که سهام آن خریداری شده است. از دیدگاه نظری ارتباط مثبتی بین اندازه شرکت و حجم اقدام تعهدی سهام وجود دارد و با افزایش اندازه شرکت، اقدام تعهدی سهام نیز افزایش می‌یابد؛ به گونه‌ای که شرکت‌های بزرگ مورد تمایل تحلیل‌گران و سرمایه‌گذاران می‌باشند. به علاوه، اندازه شرکت منجر به افزایش میزان افشای اطلاعات و به طبع آن کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و بهبود نقدشوندگی می‌شود که به جذب منابع مالی تعهدی کمک می‌کند (اومری و همکاران، ۲۰۰۴).

یکی دیگر از ویژگی‌های فردی سهام شرکت‌ها میزان بازدهی آن می‌باشد. ریسک بازگشت سرمایه و قابلیت خرید و فروش سهام از اساسی‌ترین مولفه‌هایی است که همواره مورد توجه سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرد. آنها همواره به دنبال برقراری تعادل بین ریسک و بازدهی سرمایه خود می‌باشند. بنابراین افزایش قیمت سهام و گزارش سود یکی از عناصر اساسی در تحلیل فوق برای سرمایه‌گذاران است. ادبیات نظری بیان می‌کند که سرمایه‌گذاران بالقوه سهام شرکت‌های سودآور را که دارای بازده بالای دارایی می‌باشند ترجیح می‌دهند. علاوه بر این، سهام پر بازده و با حجم بالای معامله، تشکیل صف خرید

¹ Guay

سهام عمده توسط سهامداران بلوکی را تسهیل می‌بخشند که می‌تواند از انگیزه‌های مهم مدیریت سود برای اثبات موفقیت و ابقاع مدیر عامل باشد. (فانگ و همکاران، ۲۰۰۹).

دیگر ویژگی فردی سهام سود تقسیمی است. میزان سود تقسیمی هر سهم نیز بر تقاضا از آن سهم تأثیر می‌گذارد و بر همین اساس محققان بر این عقیده هستند که سود تقسیمی جذابیت خاصی برای سرمایه‌گذاران داشته و منجر به افزایش تقاضا برای سهامی با سود تقسیمی بالا می‌شود.

چارچوب نظری مالی از اهرم به عنوان یکی از منابع ریسک یاد کرده است و بنابراین این ادعا را مطرح کرده است که شرکتی که دارای اهرم مالی بالایی است، دارای ریسک بالاتر نیز برای صاحبان حقوق مالکانه می‌باشد. چنانچه مالکان ریسک‌گریز در معرض جریان نقدی نامطمئن قرار می‌گیرند، نرخ بالاتری از بازده را برای سرمایه‌گذاری خود درخواست خواهند نمود. با توجه به اینکه زمانی که اهرم مالی شرکتی بالاست، افزایش بیشتر در نسبت اهرمی می‌تواند منجر به افزایش احتمال عدم توانایی در بازپرداخت و هزینه‌های مورد انتظار شود (آچمپونگ و شیو، ۲۰۱۴).

یکی از متغیرهای بنیادین موثر بر وضعیت آتی عملکرد شرکت‌ها و به تبع آن بازده سهام میزان سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در دارایی‌های ثابت می‌باشد که می‌تواند زمینه‌ساز دستیابی به بازده مطلوب در آینده بوده یا بدلیل تحمل ریسک بیشتر بر وضعیت مالی شرکت در نتیجه سرمایه‌گذاری بیشتر، قدرت شرکت را برای حفظ بازده فعلی و رشد آن در دوره‌های آتی کاهش دهد و در بلندمدت نیز منجر به افت بازده و عملکرد شرکت گردد. براین اساس اثر رشد شرکت یا رشد دارایی‌های آن می‌تواند بر بازدهی سهام اثر گذار باشد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که بازده مورد انتظار تابعی از رشد دارایی‌های ثابت و اختیارات شرکت است. بنابراین اختیارات مدیران در دستکاری ارقام تعهدی از جمله مواردی است که اثر آن در حالت‌های مختلف رشد شرکت (رشد دارایی‌ها) بر بازده سهام شرکت متفاوت است. همین امر موجب شد که پژوهش حاضر بر آن شود تا به این سوال پاسخ دهد که آیا ویژگی‌های فردی سهام چون استراتژی‌های رشد، قدرت اهرم مالی و اندازه شرکت نقش مهمی در ارزیابی میزان مدیریت ارقام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری دارد؟

با توجه به سؤال تحقیق در قسمت قبل، فرضیه‌های تحقیق به صورت زیر تدوین می‌شوند:

۱. بین استراتژی رشد شرکت‌ها و مدیریت ارقام تعهدی اختیاری رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۲. بین استراتژی رشد شرکت‌ها و مدیریت ارقام تعهدی غیر اختیاری رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
۳. بین اندازه شرکت و مدیریت ارقام تعهدی اختیاری رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۴. بین اندازه شرکت و مدیریت ارقام تعهدی غیر اختیاری رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
۵. بین اهرم مالی و مدیریت ارقام تعهدی اختیاری رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۶. بین اهرم مالی و مدیریت ارقام تعهدی غیر اختیاری رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

پیشینه تجربی

لیسانا (۲۰۰۹) در تحقیق خود نشان دادند که شرکت‌های با سطح ارقام تعهدی پایین‌تر نسبت به شرکت‌های دارای سطح ارقام تعهدی بالاتر دارای بازده سهام مورد انتظار کمتری هستند. آنها اظهار می‌دارند که این یافته‌ها با تحقیقاتی که نشان می‌دهد شرکت‌های دارای ارقام تعهدی کمتر یو ریسک بیشتری دارند، در تناقض است.

مک‌لینز و کولین (۲۰۱۱)، در پژوهش خود با عنوان تأثیر پیش‌بینی جریان‌های نقدی بر کیفیت ارقام تعهدی به این نتیجه رسیدند که در صورت ارائه توأمان سودآوری و جریان‌های نقدی عملیاتی آتی توسط تحلیل‌گران مالی، به طور ضمنی برآوردی در خصوص ارقام تعهدی عملیاتی نیز ارائه می‌گردد.

فرانسیس (۲۰۱۳) به این نتیجه دست یافتند که اطلاعات ارائه شده در خصوص پیش‌بینی جریان‌های نقدی خارج از محدوده پیش‌بینی، دارای ارزش اطلاعاتی زیادی برای استفاده‌کنندگان داشته است. پژوهش وی این موضوع را آزمون نمود، شرکتی

که وجه نقد بیشتری بین سهامداران خود توزیع می کند، معمولاً پیش بینی جریان های نقدی آن ها از دامنه مورد پیش بینی خارج می شود.

احمدپور و همکاران (۱۳۸۸) تاثیر مدیران غیرموظف و سرمایه گذاران نهادی را در کیفیت ارقام تعهدی مورد بررسی قرار دادند. نتایج بررسی رفتار فرصت طلبانه مدیریت سود نشان می دهد که ارقام تعهدی غیرعادی نمی تواند تغییرات سودآوری را توجیه کند و به عنوان علامتی برای سودآوری در سالهای آینده باشد. هم چنین نتایج آزمون نقش ابزارهای نظارتی حاکمیت شرکتی در رفتار مدیریت سود، بیانگر این است که وقتی انگیزه برای دستکاری سود زیاد است، مدیریت غیرموظف و سرمایه گذاران نهادی عمده، نقش ضعیفی در کاهش ناهنجاری ارقام تعهدی غیرعادی دارند.

مشایخی و محمدآبادی (۱۳۹۰) به بررسی رابطه مکانیزم های حاکمیت شرکتی با کیفیت سود حسابداری پرداختند. آن ها برای ارزیابی کیفیت سود از معیارهای ارقام تعهدی، پایداری سود و توان پیش بینی سود استفاده کردند و از دوگانگی مسئولیت ها، نسبت مدیران غیر موظف عضو هیات مدیره و تعداد جلسات آن به عنوان شاخصه های حاکمیت شرکتی استفاده کرده اند. یافته های تحقیق حاکی از آن است که با بیشتر شدن تعداد جلسات هیات مدیره و افزایش حضور مدیران غیر موظف در آن، کیفیت (پایداری و توان پیش بینی) سود حسابداری افزایش یافته است. این در حالی است که بین تفکیک مسئولیت های مدیر عامل و رئیس هیات مدیره از یکدیگر و کیفیت (پایداری و توان پیش بینی) سود رابطه معنی داری وجود ندارد. همچنین یافته های تحقیق حاکی از نبود رابطه معنی دار بین کیفیت ارقام تعهدی، به عنوان یکی از سنجه های کیفیت سود، با مکانیزم های حاکمیت شرکتی مورد بررسی است.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر طبقه بندی بر مبنای هدف، کاربردی و از نظر طبقه بندی بر حسب روش، توصیفی و از نوع همبستگی است. در این پژوهش با استفاده از اطلاعات تاریخی شرکت ها، به بررسی روابط بین متغیرها با استفاده از مدل رگرسیون خطی و داده های ترکیبی پرداخته می شود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه ی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در قلمرو زمانی ۵ساله (از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳) می باشد.

نمونه آماری می بایستی حائز کلیه ی شرایط زیر باشند :

- ۱- شرکت هایی که بعد از سال ۱۳۸۸ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
- ۲- شرکت هایی که دوره مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه نباشند.
- ۳- شرکت هایی که در سالهای مورد بررسی تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی داده باشند.
- ۴- شرکت هایی که صورتهای مالی حسابرسی شده آنها در سالهای مورد بررسی در دسترس نباشند.
- ۵- شرکت هایی که طی سالهای مورد بررسی وقفه طولانی مدت در معاملات داشته باشند.

تعریف عملیاتی متغیرها

- **متغیر وابسته :** مدیریت ارقام تعهدی (اختیاری و غیر اختیاری)
- ارقام تعهدی غیراختیاری (NDAC): ارقام تعهدی غیراختیاری است که از مدل های ۱ و ۲ با رویکرد جونز تعدیل شده (دیچو و همکاران، ۱۹۹۵) استخراج می گردد.
- ارقام تعهدی اختیاری (DAC) : ارقام تعهدی اختیاری است که برای محاسبه آن ها از رویکرد (دیچو و همکاران، ۱۹۹۵) استفاده می گردد. در این روش، ارقام تعهدی اختیاری طی دو مرحله برآورد می شوند. در ابتدا، متغیر کل ارقام تعهدی (که تفاوت بین سود خالص و جریان وجه نقد عملیاتی است) در رگرسیون متشکل از متغیرهای کلیدی که انتظار می رود بر آن تأثیر گذارند، قرار می گیرد. به صورت زیر:

$$DA_t = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_t - \Delta REC_t}{A_{t-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_t}{A_{t-1}} \right) + \varepsilon_t (1)$$

که در آن، i شاخص شرکت و t شاخص زمان، DA_{it} سود خالص منهای جریان وجه نقد ناشی از عملیات، ΔREV_{it} تغییر در فروش، PPE_{it} کل اموال، ماشین آلات و تجهیزات، ΔREC_t تغییرات در حسابهای دریافتی و A_{t-1} داراییهای شرکت در سال قبل است. که همانگونه که ملاحظه می شود پس از برآورد مدل فوق جملات پسماند همان ارقام تعهدی اختیاری (DAC) را برای ما بدست می دهند. لازم به ذکر است که ارقام تعهدی غیر اختیاری از رابطه روبرو بدست می آید:

$$NDAC = (TA/A) - DAC$$

-متغیرهای مستقل:

- ۱- استراتژی های شرکت COMPST: طبق مطالعه یوگیبی و همکاران (۲۰۱۴) منظور از استراتژی شرکت همان نرخ رشد سالانه دارایی ها است که به عنوان یکی از ویژگی های فردی سهام از آن یاد کرده اند.
 - ۲- اندازه شرکت: منظور از اندازه شرکت در این پژوهش، لگاریتم دارایی های شرکت می باشد که به عنوان خصیصه دوم سهام شرکت پیرامون تاثیر گذاری بر مدیریت ارقام تعهدی، مورد ارزیابی قرار می گیرد.
 - ۳- اهرم مالی LEV: منظور از اندازه شرکت در این پژوهش، نسبت کل بدهی های جاری به دارایی های جاری شرکت می باشد که به عنوان خصیصه سوم سهام شرکت پیرامون تاثیر گذاری بر مدیریت ارقام تعهدی، مورد ارزیابی قرار می گیرد.
 - ۴- نسبت جریان نقد شرکت CASH: جهت بررسی استحکام مدل از نسبت جریان نقد به کل دارایی ها به عنوان متغیر کنترل در برآورد مدل ها استفاده می شود.
- بنابراین مدل های پژوهش شامل رگرسیون های ۳ و ۴ می باشند:

$$DAC = C + \beta_1(COMPST) + \beta_2(SIZE) + \beta_3(LEV) + \beta_4(CASH) + \varepsilon(3)$$

$$NDAC = C + \beta_1(COMPST) + \beta_2(SIZE) + \beta_3(LEV) + \beta_4(CASH) + \varepsilon(4)$$

که در رگرسیون های فوق C عرض از مبدا رگرسیون می باشد و چنانچه β_1 در مدل ۳ معنی دار باشد، فرضیه اول تأیید می شود، اگر β_1 در مدل ۴ معنی دار باشد، فرضیه دوم تأیید می شود؛ اگر β_2 در مدل ۳ معنی دار باشد، فرضیه سوم تأیید می شود، اگر β_2 در مدل ۴ معنی دار باشد، فرضیه چهارم تأیید می شود؛ و نیز چنانچه β_3 در مدل ۳ معنی دار باشد، فرضیه پنجم تأیید می شود، اگر β_3 در مدل ۴ معنی دار باشد، فرضیه ششم تأیید می شود.

تجزیه و تحلیل داده ها

آمار توصیفی

جدول ۱. آماره توصیفی متغیرهای تحقیق

نسبت جریان نقد شرکت	اهرم مالی	اندازه شرکت	استراتژی های شرکت	ارقام تعهدی غیراختیاری	ارقام تعهدی اختیاری
0.038473	0.678224	0.4701222	0.212197	872778.1	-25847.89
0.026791	0.656920	0.924373	0.139216	217062.0	-8872.000
0.299002	1.879581	1.49108	7.168970	29324741	5708641.
0.000657	0.089110	24012.00	-0.882650	7465.000	-18902689
0.038990	0.243010	15005765	0.426708	25,64109	1272939.
2.544319	0.836806	6.069912	10.13246	7.090021	-8.582939
12.51198	5.228331	43.92946	159.3865	62.50322	124.4380
450	450	450	450	450	450

اصلی ترین شاخص مرکزی، میانگین است که بیانگر نقطه ی تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده ها است همانطور که ملاحظه می شود، میانگین متغیر استراتژی های شرکت COMPST نشان می دهد که به

طور متوسط انحراف معیار نرخ رشد سالانه دارایی ها شرکت ها که نشان دهنده استراتژی های شرکت است. ۰.۲۱۲ درصد می باشد.

متغیر اندازه شرکت لگاریتم کل دارایی ها است، میانه متغیر اندازه شرکت برابر با 0/92 می باشد که بیانگر این است که نیمی از داده ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. انحراف معیار یکی از مهمترین پارامترهای پراکندگی است و معیاری برای میزان پراکندگی مشاهدات از میانگین است؛ مقدار این پارامتر برای متغیر انحراف معیار اقلام تعهدی غیراختیاری برابر با 25/64 است.

آزمون F لیمر

جدول ۲. نتایج آزمون F لیمر فرضیه های پژوهش

آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
۳۶۶۳۲۳۱	۸۹.۳۵۶	۰.۰۰۰	روش داده های تابلویی
۲.۴۳۹۵۶	۸۹.۳۵۶	۰.۰۰۰	روش داده های تابلویی

با توجه به اینکه P-value بدست آمده از آزمون F لیمر در فرضیه های پژوهش کوچکتر از ۵ درصد است، به منظور برآورد این مدل ها از مدل داده های پانل (Panel) استفاده خواهد شد.

آزمون هاسمن

جدول ۳. آزمون هاسمن برای تعیین مدل اثرات ثابت یا تصادفی

نوع آزمون	نوع مدل	P-Value	درجه آزادی	مقدار آماره
مدل اول	اثرات ثابت	0.4043	۴	$\chi_2 = 1.624721$
مدل دوم	اثرات ثابت	0.3239	4	$\chi_2 = 2.064411$

همانطور که از نتایج جدول مشهود است، مقدار p-value کمتر از ۵ درصد است، بنابراین، فرضیه H_0 رد شده و مدل آثار ثابت تایید می شود. این موضوع به معنی وجود ارتباط بین خطای رگرسیون تخمین زده شده و متغیرهای مستقل است. با توجه به نتایج آزمون هاسمن، مناسبترین روش برای تخمین پارامترها، مدل اثرات ثابت است.

آزمون فرضیه های تحقیق

جدول ۴. نتایج تخمین مدل رگرسیونی اول تحقیق

متغیر وابسته DAC	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری (sig)
استراتژی های شرکت COMPST	-24629.28	14411.81	-1.708965	0.0083
اندازه شرکت	0.001200	0.000151	7.934291	0.0000
اهرم مالی LEV	-134724.2	36211.82	-3.720449	0.0002
نسبت جریان نقد شرکت CASH	-585007.9	158692.5	-3.686424	0.0003
C مقدار ثابت	87616.29	29186.65	3.001931	0.0029

1.908725	آماره دوربین واتسن	29.98708 0.000000	آماره F فیشر (سطح معنی داری)
0.831617	ضریب تعیین تعدیل شده	0.868342	ضریب تعیین

جدول ۵. نتایج تخمین مدل رگرسیونی دوم تحقیق

سطح معناداری (sig)	آماره t	انحراف معیار	ضرایب	متغیر وابسته NDAC
0.0000	-5.500651	18941.69	-104191.6	استراتژی های شرکت COMPST
0.0000	-4.544343	0.000696	-0.003164	SIZE اندازه شرکت
0.0336	-2.133575	145250.0	-309901.7	اهرم مالی LEV
0.7584	-0.307871	68522.02	-21095.95	نسبت جریان نقد شرکت CASH
0.0000	10.24295	109417.3	1120756.	C مقدار ثابت
1.764840	آماره دوربین واتسن		23.63004 0.000000	آماره F فیشر (سطح معنی داری)
0.824169	ضریب تعیین تعدیل شده		0.860589	ضریب تعیین

فرضیه های تحقیق به صورت زیر مطرح می گردد:

قبل از آزمون فرضیه پژوهش براساس نتایج به دست آمده، باید از صحت نتایج اطمینان حاصل نمود. بدین منظور برای بررسی معناداری کل مدل از آزمون F استفاده گردید. با توجه به احتمال آماره F محاسبه شده در مدل اول (۰.۰۰۰)، می توان ادعا نمود که مدل رگرسیونی برازش شده معنادار است. با توجه به ضریب تعیین مدل برازش شده می توان ادعا نمود، حدود ۸۶ درصد از تغییرات در متغیر وابسته مدل، توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می شود. در مدل دوم، با توجه به احتمال آماره F محاسبه شده در مدل اول (۰.۰۰۰)، می توان ادعا نمود که مدل رگرسیونی برازش شده معنادار است. با توجه به ضریب تعیین مدل برازش شده می توان ادعا نمود، حدود ۸۶ درصد از تغییرات در متغیر وابسته مدل، توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می شود.

فرضیه اول تحقیق به صورت زیر مطرح می گردد:

بین استراتژی رشد شرکت ها و مدیریت اقلام تعهدی اختیاری رابطه معنی داری وجود ندارد. $H_0 =$
 بین استراتژی رشد شرکت ها و مدیریت اقلام تعهدی اختیاری رابطه معنی داری وجود دارد. $H_1 =$
 همانطور که بیان شد، چنانچه β_1 در مدل ۳ معنی دار باشد، فرضیه اول تأیید می شود
 همانطور که از نتایج بدست آمده ملاحظه می شود، متغیر استراتژی های شرکت COMPST دارای ضریب -24629.28 و سطح معنی داری 0.0083 است. با توجه به سطح خطای قابل پذیرش ۵٪، می توان عنوان کرد که بین استراتژی رشد شرکت ها و مدیریت اقلام تعهدی اختیاری رابطه معنی داری وجود دارد. در نتیجه فرضیه اول تحقیق تأیید می شود.

فرضیه دوم تحقیق به صورت زیر مطرح می گردد:

$$\begin{cases} H_0 = \text{بین استراتژی رشد شرکت ها و مدیریت اقلام تعهدی غیر اختیاری رابطه ی معنی داری وجود ندارد.} \\ H_1 = \text{بین استراتژی رشد شرکت ها و مدیریت اقلام تعهدی غیر اختیاری رابطه ی معنی داری وجود دارد.} \end{cases}$$

همانطور که بیان شد، β_1 در مدل دوم معنی دار باشد، فرضیه دوم تأیید می شود؛ همانطور که از نتایج بدست آمده در جدول ملاحظه می شود، متغیر استراتژی های شرکت COMPST دارای ضریب 104191.6- و سطح معنی داری ۰.۰۰۰۰ است. با توجه به سطح خطای قابل پذیرش ۵٪، می توان عنوان کرد که بین استراتژی رشد شرکت ها و مدیریت اقلام تعهدی غیراختیاری رابطه معنی داری وجود دارد. در نتیجه فرضیه دوم تحقیق تأیید می شود.

فرضیه سوم تحقیق به صورت زیر مطرح می گردد:

$$\begin{cases} H_0 = \text{بین اندازه شرکت و مدیریت اقلام تعهدی اختیاری رابطه معنی داری وجود ندارد.} \\ H_1 = \text{بین اندازه شرکت و مدیریت اقلام تعهدی اختیاری رابطه معنی داری وجود دارد.} \end{cases}$$

اگر β_2 در مدل اول معنی دار باشد، فرضیه سوم تأیید می شود، همانطور که از نتایج بدست آمده در جدول ملاحظه می شود، متغیر اندازه شرکت دارای ضریب 0.001200 و سطح معنی داری ۰.۰۰۰۰۰ است. با توجه به سطح خطای قابل پذیرش ۵٪، می توان عنوان کرد که بین اندازه شرکت و مدیریت اقلام تعهدی اختیاری رابطه معنی داری وجود دارد. در نتیجه فرضیه سوم تحقیق تأیید می شود.

فرضیه چهارم تحقیق به صورت زیر مطرح می گردد:

$$\begin{cases} H_0 = \text{بین اندازه شرکت و مدیریت اقلام تعهدی غیر اختیاری رابطه معنی داری وجود ندارد.} \\ H_1 = \text{بین اندازه شرکت و مدیریت اقلام تعهدی غیر اختیاری رابطه معنی داری وجود دارد.} \end{cases}$$

همانطور که بیان شد، اگر β_2 در مدل ۲ معنی دار باشد، فرضیه چهارم تأیید می شود. همانطور که از نتایج بدست آمده در جدول ملاحظه می شود، متغیر اندازه شرکت دارای ضریب 0.003164- و سطح معنی داری ۰.۰۰۰۰۰ است. با توجه به سطح خطای قابل پذیرش ۵٪، می توان عنوان کرد که بین اندازه شرکت و مدیریت اقلام تعهدی غیر اختیاری رابطه معنی داری وجود دارد. در نتیجه فرضیه چهارم تحقیق تأیید می شود.

فرضیه پنجم تحقیق به صورت زیر مطرح می گردد:

$$\begin{cases} H_0 = \text{بین اهرم مالی و مدیریت اقلام تعهدی اختیاری رابطه معنی داری وجود ندارد.} \\ H_1 = \text{بین اهرم مالی و مدیریت اقلام تعهدی اختیاری رابطه معنی داری وجود دارد.} \end{cases}$$

چنانچه β_3 در مدل اول معنی دار باشد، فرضیه پنجم تأیید می شود، همانطور که از نتایج بدست آمده در جدول ملاحظه می شود، متغیر اهرم مالی دارای ضریب 134724.2- و سطح معنی داری ۰.۰۰۰۰۲ است. با توجه به سطح خطای قابل پذیرش ۵٪، می توان عنوان کرد که بین اهرم مالی و مدیریت اقلام تعهدی اختیاری رابطه معنی داری وجود دارد. در نتیجه فرضیه پنجم تحقیق تأیید می شود.

فرضیه ششم تحقیق به صورت زیر مطرح می گردد:

$$\begin{cases} H_0 = \text{بین اهرم مالی و مدیریت اقلام تعهدی غیر اختیاری رابطه معنی داری وجود ندارد.} \\ H_1 = \text{بین اهرم مالی و مدیریت اقلام تعهدی غیر اختیاری رابطه معنی داری وجود دارد.} \end{cases}$$

بیان شد ، ، اگر $\beta 3$ در مدل ۴ معنی دار باشد ، فرضیه ششم تأیید می شود.، همانطور که از نتایج بدست آمده در جدول ملاحظه می شود، متغیر اهرم مالی دارای ضریب 309901.7- و سطح معنی داری 0.0336 است. با توجه به سطح خطای قابل پذیرش ۵٪، می توان عنوان کرد که بین اهرم مالی و مدیریت اقلام تعهدی غیر اختیاری رابطه معنی داری وجود دارد. در نتیجه فرضیه ششم تحقیق تأیید می شود.

فرانسس و دیگران^۱ (۲۰۰۴) در مطالعات خود تحت عنوان اثرات قیمت گذاری کیفیت اقلام تعهدی، پایداری اقلام تعهدی ، و قابلیت پیش بینی آن ها را دلیل کیفیت این اقلام می دانند. پایداری اقلام تعهدی به معنی استمرار و تکرار آن ها در سود سال های بعد می باشد و در جایی دیگر از همین پژوهش مربوط بودن ارزش اقلام تعهدی و به موقع بودن این اقلام را عوامل موثر بر کیفیت اقلام تعهدی عنوان می کنند.

پیرس و لندسمن^۲ (۲۰۰۳) ارتباط بین مربوط بودن سود و میانگین موزون هزینه سرمایه را دلیل کیفیت اقلام تعهدی می دانند. ولی در اکثر پژوهش ها برای اندازه گیری کیفیت اقلام تعهدی از مدل تعدیل شده جونز استفاده می شود که در این مدل کیفیت اقلام تعهدی از افزایش و کاهش اقلام تعهدی غیرعادی تاثیر می پذیرد ، در واقع نوسانات اقلام تعهدی غیر عادی یک پروکسی به جای کیفیت اقلام تعهدی می باشد.

اقلام تعهدی به دو دسته تقسیم می شوند، آن دسته از اقلام تعهدی را که در مدل تجاری شرکت ها^۳ و محیط عملیاتی^۴ آن ها وجود می آید و مدیریت واحد تجاری در پیدایش آنها دخالتی نداشته است و در حین انجام فعالیت های تجاری شرکت ایجاد شده باشند ، را اقلام تعهدی غیر اختیاری می نامیم. دسته ای دیگر از اقلام تعهدی به خاطر انتخاب روشهای حسابداری ، تخصیص های اختیاری ، تصمیمات مدیریتی و قضاوتها و برآوردها بوجود می آیند. به عبارت دیگر از هر شرکت به شرکت دیگر مقدار نوع این اقلام می تواند متفاوت باشد چون تحت تاثیر رویه و خط مشی انتخابی شرکت قرار دارد و هر چقدر مدیر یک شرکت آزادی عمل بیشتری برای بوجود آوردن آنها داشته باشد. احتمال بیشتر دارد که از این اقلام برای تاثیر گذاری روی سود استفاده کند که این عمل به پدیده مدیریت سود^۴ معروف است (عارف منش، ۱۳۹۰).

نتایج این تحقیق با تحقیق چان و همکاران، ۲۰۱۱ و چمبرز، ۲۰۰۵ و دجو و دیچو، ۲۰۰۲ و دستگیر و رستگار ۱۳۹۰ و ایزدی نیا و نظرزاده ۱۳۸۹ همسو می باشد.

پیشنهادات بر اساس نتایج تحقیق

- ۱- هیئت مدیره شرکت به معیار های خصوصیات فردی شرکت توجه لازم را مبذول داشته و در گزارش فعالیت هیئت مدیره به مجمع عمومی این متغیرها را محاسبه و ارائه نمایند.
- ۲- به سازمان بورس اوراق بهادار توصیه می شود هنگام پذیرفتن شرکت ها در بورس به مسأله وجود یک سطح مناسب از خصوصیات فردی در شرکت ها اهمیت بدهند، و برخوردار بودن یک سطح مناسب از خصوصیات فردی شرکت به منظور پذیرفته شدن و معامله سهام شرکت ها در بورس اوراق بهادار لازم باشد.
- ۳- به مدیران واحدهای انتفاعی توصیه می شود که در جهت بالا بردن کیفیت اقلام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری گام بردارند و سعی کنند که این اقلام را به واقعیت نزدیک تر کنند.
- ۴- به استفاده کنندگان از اطلاعات مالی پیشنهاد می شود که در هنگام به کارگیری اقلام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری جهت برآورد سودهای آتی، سعی کنند که برای اجزای مختلف اقلام تعهدی، اهمیت متفاوتی قائل شوند.

پیشنهادات برای تحقیقات آتی

¹-Feransis,2004

²- Pires and Lansdman ,2003

³-Operation environment

⁴- Earning management

- ۱- پیشنهاد می شود به بررسی تاثیر بررسی تأثیر خصوصیات فردی شرکت بر مدیریت اقلام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری در شرکتهای کوچک و بزرگ به صورت مقایسه ای پرداخته شود.
- ۲- پیشنهاد می شود به بررسی تاثیر بررسی تأثیر خصوصیات فردی شرکت بر مدیریت اقلام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری در شرکتهای تولیدی و غیرتولیدی به صورت مقایسه ای پرداخته شود.
- ۳- پیشنهاد می شود به بررسی تأثیر خصوصیات فردی شرکت بر مدیریت اقلام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری در شرکتهای استراتژیک و غیراستراتژیک به صورت مقایسه ای پرداخته شود.
- ۴- پیشنهاد می شود به بررسی تاثیر بررسی تأثیر خصوصیات فردی شرکت بر مدیریت اقلام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری ن در شرکتهای دارای عرضه اولیه سهام پرداخته شود.
- ۵- پیشنهاد می شود به بررسی تاثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر منافع و ثروت ذینفعان و سهام داران بررسی تأثیر خصوصیات فردی شرکت بر مدیریت اقلام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری در شرکتهای خصوصی تابع اصل ۴۴ پرداخته شود.

محدودیت های پژوهش

۱) اولین و مهم ترین محدودیت پژوهش هایی که بر پایه آماراستنباطی انجام می شود، درخصوص تعمیم نتایج آن به سایر شرایط و دوره هاست. این امکان وجود دارد که ارتباطاتی که در این پژوهش ثابت شدند؛ در دوره هاویا شرایط متفاوت از شرایط این پژوهش، برقرار نباشند و یا اینکه نوع ارتباطات بگونه دیگری باشد. بنابراین باید در تعمیم نتایج این پژوهش، احتیاط لازم بعمل آید.

۲) با توجه اینکه معیارها و مدل های مختلفی برای سنجش اقلام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری آن وجود دارد؛ شناسایی و انتخاب بهترین مدل که نتایج واقعی تری داشته باشد؛ یکی از محدودیت های پژوهش محسوب می شود. در این راستا، ممکن است که چنانچه از سایر روش ها و معیارها استفاده می شد، نتایج متفاوت بدست می آمد.

منابع و مآخذ

۱. ایزدی نیا، ناصر؛ قوچی فرد حمزه و نرگس حمیدیان. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین جریان های نقد عملیاتی، سود خالص و اجزای اقلام تعهدی با جریان های نقد آزاد آتی شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش های حسابداری مالی. شماره ۴. صص ۱۹-۳۶
۲. حقیقت حمید و علی اکبر ایرانشاهی. (۱۳۸۹). بررسی واکنش سرمایه گذاران نسبت به جنبه های سرمایه گذاری اقلام تعهدی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی های حسابداری و حسابرسی. شماره ۶۱ صص ۳-۲۲
۳. خدادادی، ولی و جان جانی، رضا. (۱۳۸۷). بررسی واکنش سرمایه گذاران به پیش بینی سود، جریان های نقدی و اقلام تعهدی در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بورس اوراق بهادار. سال دوم. شماره ۸.
۴. رحیمیان، نظام الدین؛ آخوندزاده، میثم و حبشی، علی. (۱۳۸۹). بررسی تاثیر مدیریت سود بر رابطه بین جریان های نقدی آزاد و ارزش سهامداران در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه دانش حسابداری. صص ۱-۲۱
۵. قالیباف اصل، حسن و نادری، معصومه. (۱۳۸۵). بررسی واکنش بیش از اندازه سرمایه گذاران در بورس اوراق بهادار تهران نسبت به اطلاعات و اخبار منتشره در شرایط رکود و رونق. تحقیقات مالی. سال ۸. شماره ۲۱. صص ۹۷-۱۱۲
۶. هاشمی، سید عباس و محسن صادقی. (۱۳۸۸). بررسی رابطه اقلام تعهدی اختیاری با وجه نقد عملیاتی، بازده سهام و کارایی سرمایه گذاری دارایی های سرمایه ای در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. حسابداری مالی. شماره ۲. صص ۱-۱۷

7. Arif, S, & Lee, C. (2014). Aggregate investment and investor sentiment. Review of financial studies. Forthcoming

8. Gerard, X. Guido, R, & Koutsoyannis, C. (2014). The impact of investor sentiment on relationship between Cash Flow , Accruals and stock returns. Available at www.ssrn.com
9. Huang, D, Jiang, F, Tu, J, & Zhou, G. (2015). Investor sentiment aligned: a powerful predictor of stock returns. *Review of financial study*, vol28. No3, pp 791-837
10. McLean, R & Zhao, M. (2014). The business cycle, investor sentiment and costly external finance. *Journal of finance*, vol 3, pp 1377-1409
11. MeiChen, L. (2010). The effects of investor sentiment on returns and idiosyncratic risk in the Japanese stock market. *International research journal of finance and economics*, vol 60, pp 29-43
12. Park, K, & Jang, S. (2013). Capital structure, free cash flow, diversification and firm performance. *International journal of hospitality management*, vol 33, pp 51-63
13. Raphael, A, Kandel, S& Wohl, A. (2012). Measuring investor sentiment with mutual fund flows. *Journal of finance economics*, vol 104, pp 363-382
14. Sarwar, S, Hussan, W, & Malhi, S. (2013). Empirical relation among fundamentals, uncertainty and investor sentiment: evidence of Karachi Stock Exchange. *International review of management and business research*, vol2. No3Wu, Y, Han, L, Tao, K & Zhang, Z. (2010). Investor sentiment and the day of the week effect of cross sectional return. Available at www.Ssrn.com

Investigating the effect of company's individual characteristics on the discretionary and non-discretionary accruals management of companies listed in Tehran Stock Exchange

Alireza Sardoei¹, Ahmad Ali Asadpour²

1. MA student in Accounting, Accounting Department, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University of Bandar Abbas, Iran

2. Department of Economic Sciences, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University of Bandar Abbas, Iran

Abstract

The aim of this study is to investigate the effect of company's individual characteristics on discretionary and non-discretionary accruals management of companies listed in Tehran Stock Exchange. Spatial domain of this study has been the companies listed in Tehran Stock Exchange and the time domain has been the years between 2009 and 2014. In this study, management of accruals (discretionary and non-discretionary) was mentioned as the dependent variable and strategies of company, size of company, financial leverage and company cash flow ratio were mentioned as independent variables. The present study is descriptive -correlational research, based on the nature of the data is a quantitative research and based on objectives is considered applied research. Due to the restrictions of the companies listed on the Tehran Stock Exchange, 90 companies were selected using systematic elimination and selected as the final sample. In this research, regression test and software Eviews 8 was used to data analysis. The results showed that there is a significant relationship between the companies' growth strategy and discretionary accruals management and there is a significant relationship between the companies' growth strategy and non-discretionary accruals management, there is a significant relationship between size of company and non-discretionary accruals management as well as there is a significant relationship between financial leverage and discretionary accruals management. There is a significant relationship between financial leverage and non-discretionary accruals management.

Keywords: individual characteristics, discretionary accruals management, non-discretionary management, companies listed on the stock exchange
